

نابود باد جنگ؛ مرگ بر خمیسی؛
زنده باد صلح و آزادی

نبرد خلق

کارگران و
زحمتکشان
متحد شوید

دوره ۴ - سال اول
شماره ۳ - مهر ۳۳

ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

۱۰ صفحه - ۵۰ ریال

سرمقاله

مفهوم حرکات اخیر رژیم

این روزها بعضی حرکات و ریزش های رژیم مورد بحث و گفتگوی جریانات و محافل سیاسی داخلی و بین المللی است. در صحنه بین المللی جناح های مشخصی از امپریالیست ها این حرکات را در ال برتایل رژیم به "اعتدال" و خروج از "انزوای" ارزیابی می کنند و طبیعا این تحلیل نه از جهت کمبود اطلاع در مورد اوضاع بحرانی ایران بلکه انعکاس خواست و تمایل این جناح های امپریالیستی است. در اردوی احزاب و کشورهای سوسیالیستی نیز هنوز قطع امید از رژیم و جریانات داخلی آن صورت نگرفته و امید های این کمپ به تغییر کل یا بخش هایی از این رژیم به چپ هنوز پا برجاست.

در صحنه داخلی نیز علاوه بر افراد و جریاناتی از قبیل بازرگان و شرکاء بنی صدر و نیکو که حساب های زیادی روی تحولات درونی رژیم باز کرده و در رقبای از سرگیری مجدد دوران شهرین شراکت در قدرت سیر می کنند، جریانات و محافل سیاسی دیگری نیز از زاویه دیگری به این پدیده دل بستند. و طبیعا جای هیچ گونه شکستی نخواهد بود که حزب توده و جریانات موسوم به اکثریت هنوز خواهان احیای "قانون اساسی رژیم و طرد جناح ارتجاعی از کل درون رژیم و وحدت با جریان به اصطلاح ضد امپریالیست "سازشگر" با "کلان سرمایه داران و ... باشند. تکه های دفع شده از ترکیب ارتجاع به فکر وصل شدن افتاد ماند و اولین سوالی که مطرح می شود این است که چه حرکات و تغییراتی صورت پذیرفته که رژیم دار و تازیانه، شکنجه و تبعید این گونه مورد توجه قرار گرفته و چرا از آقای سولویان و نوکر بی اختیار یعنی آقای بختیار و از حزب توده تا افراد کوبه بین رهبری اکثریت از فتنه ان شخصیتی مثل بهشتی در این شرایط مشخص اسوس می خورند و اساسا این تغییرات دارای چه حاصلتی است؟ بعینه در صفحه ۲

جنبش ملی دموکراتیک خلق کرد،

بخش جدائی ناپذیر جنبش سراسری خلق های ایران

افند ام مترقی منعکس می کند. به نظر می رسد از این که این جریان در آنروز بارانی گوشه های دنج و متروک خود را رها کرده و در یک اقدام جدی عملی شرکت نمود. بسیار خشمگین و طبق معمول این ختم و صیانت بر سر حزب دمکرات کردستان و سازمان مجاهدین خلق (که طبق اعلامیه تنها ۱۰ نفری تظاهرات را شامل می شدند) حالی می شود و بخصوص به نجات از طرف خلق کرد دستوراتی صادر می فرمایند، معلوم نیست اگر حزب دمکرات که بارها در تظاهرات و حرکات و انتخابات مردم کردستان مورد تائید قرار گرفته نمایند و خواست ملی دمکراتیک خلق کرد در این مرحله تاریخی نیست، و به قول نویسندگان اعلامیه بخشهای زیاد تخلق کرد، به اعتبار وجود کومه له (البته محض اطلاع نویسندگان اعلامیه خاطر نشان می کنیم که کومه له خود را رهبر جنبش انقلابی خلق کرد میداند) مخالف برنامه میهن نهادت حزب هستند این جریان چرا آستین بالا نمی زند و این حرفها را در صحنه عمل مبارزاتی واقعی خلق کرد بیان نمی کنند نویسندگان اعلامیه بعد می نویسند که "برای بخش های وسیعی از زحمتکشان و ستم دیدگان ایران قضایا روشن شده است" (ص ۵ - اعلامیه) ولی هنگامیکه از "قضایا" مربوط به جنبش خلق کرد مطلب می نویسند معلوم می شود بعینه در صفحه ۸

روز جمعه ۱۴ سپتامبر در عورت کیمته هبستکی با مبارزات مردم کردستان ایران علیه کجوب اجباری، تظاهراتی در پاریس برگزار کردند. در این کیمته نیروهای مختلفی شرکت داشتند که چه به لحاظ سیاسی، ایدئولوژیک و چه به لحاظ قدرت تشکیلاتی و چه به لحاظ پایه تودهای در سطوح مختلف قرار داشتند. هواداران سازمان بر اساس تصمیمی که در رابطه با اینگونه مسواری اتخاذ کرده بودند و برای اینکه نشان دهند عدم شرکت هواداران اقلیت نه وجود این یا آن جریان، بلکه به عدالت مشی ستکاریستی حاکم بر رهبری این سازمان است در کیمته شرکت نکردند. ولی از این اقدام و تمام اقداماتی که توسط نیروهای مترقی در رابطه با کجوب اجباری صورت می گرفت پشتیبانی کرده و این موضوع را در نبرد خلق نیز اعلام کرده اند. چندی بعد از طرف یکی از گروه های شرکت کنندگان اعلامیه ای به تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۸۴ تحت عنوان "چند نکته در پاره اتحاد عمل و کیمته کردستان" (ص ۱) در این مقاله همه جا از این نوشته تحت عنوان اعلامیه یاد می کنیم) منتشر شد. این گروه خود را هواداران نشریه سابق کند و کاو در پاریس (بخشی از هواداران نشریه فعلی سوسیالیزم و انقلاب) معرفی کرده اند. مضمون اعلامیه احساس مغبون بودن این جریان را به علت شرکت در این

در این شماره:

- ★ بنیاده شورای ملی مقاومت
- ★ اخبار کوتاه
- ★ به یاد رفیق اسکندر
- ★ برخی از رویدادهای تاریخی
- ★ شهدای فدائی در مهرباه

جنايات وحشیانه رژیم خمینی

چنانچه رژیم خمینی در زندان تیریز و اعتراض مردم مهربان تیریز رژیم خمینی در ادامه جنایات خود دست به جنایاتی دیگر زد و اوائل مهر عید های از زندانیان مهربان تیریز را به جرم مقاومت و عدم تسلیم در مقابل مزدوران رژیم و ارتجاع با مجاهدین خلق در خارج از بعینه در صفحه ۲

سازمان زحمتکشان دانشجویان



بنیاد
اعلام برکت (هویت)
مبارزین چریکهای فدائی خلق ایران

۲۲۰

را بخوانید

نقد "طرح برنامه اقلیت (۲)

در صفحات ۷، ۶، ۵

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

سرمقاله

بعینه از صفحه ۱

گفته اند تجارت خارجی آزاد می شود، رفسنجانی از تند ریهها انتقاد می کند، ملاقات در قرضل حصار هدف تلای یک روز و در این هر دو هدف سه یک بار شده، عدای که همه آنها هم از سوابین نبوده اند بخصوص در شهرستانها آزاد شده اند رئیس زندانها عوض شده، در بعضی ادارات روسای غیر منتخبی بر سر کار آمد مانند، چند مورد عصب نشینی در مورد حرکات اعتراضی بهره آنجا نیکه از جانب مغازه داران و دلالان خرده پا صورت گرفته گزارش شده است، در رابطه با حجاب اجباری بعضی انتحافات کوچک صورت پذیرفته، بعضی اجناس صرفی کمی ارزان شده برای خروج فانوس از کشور تسهیلات بیشتری قائل شده اند، خرید و فروش برنج را آزاد گذاشتند، جنگه زمینی برای مدتی متوقف شده، جنگه بین جناحهای مختلف حکومت، بین اکثریت مجلس به رهبری رفسنجانی و اقلیت مجلس به رهبری آذری قمی بین لاجوردی جلاد و ری شهری خوشحوار، بین ظهیر نراد و یانند صیادی شیرازی، رفاشی شدت گرفته و در حوزه های آلودگی اعلامیه هائی علیه منتظری منتشر شده است.

آیا تغییرات و حرکات کنونی (داری هر خصلت) که باشد ام از رژیم و یا مانع حرکات تشبیهی است یا حرکات عقب نشینی در بحران و بین بست؟ به عبارت دیگر آیا جامعه مادر وضعیت مشابه سالهای دهه چهل است یا در سالهای ۵۶ و ۵۷ ...

برای پاسخ به این سوال باید وضعیت عمومی جامعه و موقعیت رژیم و رابطه آنها با توده ها بررسی کنیم.

طلبنا اگر بررسی این حرکات جدا از کل شرایط جامعه و مستقل از مبارزه و مقاومت بررسی شود و اگر تحلیل گر سیاسی از نوع اشخاصی همچون بنی صدر که هیچ کوشش با اتکا به ادعای پسر العلم بود، ناعق چند صد م میلیونری این بحر را ببوشاند، باشد، طبیعتا نه بحران بین بست رژیم را مشاهده خواهد کرد و نه پیشرفت انقلاب را و متعلقا بدنیال سربا می خواهند رفت که آنرا آب پنداشتند. اما ما نه عادت به این گونه تحلیل های سطحی داریم و نه مدافع آن منافع طبقاتی و اجتماعی که در آرزوی این گونه تحویل پذیری هائیند هستیم.

جامعه ایران در یک بحران عمیق اجتماعی یعنی بحران انقلابی (و نه فقط بحران اقتصادی) قرار دارد. به نمود های این بحران بارها اشاره شده و ذکر مجدد آن بی مورد است. اما برای افراد و جریاناتی، خود بزرگی این بحران و درجه عمق آن روشن نبوده و معمولا این بحران را یا از همان نوع بحران های جهانی سرمایه داری ها ناشی از ضد خلقی بودن حاکمیت آریزایی می کنند اما روشن است که نه ضد خلق بودن یک حکومت

و نه وجود بحران جهانی سرمایه داری نمی تواند عامل اصلی وجود بحران انقلابی در جامعه ایران باشد. دهها رژیم ضد خلقی بر کشورهایسی حکومت می کنند که هم در چهار چوب سیستم جهانی سرمایه داری فرار داشته و هم دچار بحران انقلابی نیستند.

جامعه ترکیه طبرعم وابستگی شدید حکومتش به انحصارات جهانی و حاصلات ضد خلقی حکومتش در این پس از یک بحران انقلابی و سرکوب انقلاب را طی می کند و از این موارد مثالهای دیگری نیز می توان ذکر کرد. ریشه بحران را نمی توان در این پارامترها جستجو کرد، اگر چه تاثیرات مشخصی آن را نباید نادیده گرفت. اما علت اصلی در جای دیگری قرار داد.

همانطور که گفتیم در این مبارزه سیاسی با هدف کسب قدرت معنی سیاسی خواهد داشت و هر طبقه و نیروی اجتماعی در مبارزه برای کسب قدرت و سیاست در هنگام حکومت برای و ام قدرت پاید رسه وجه اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک برنامه ریزی کنند رژیم خمینی در وجه اقتصادی علاوه بر قیسه بخش دولتی اقتصاد بر پیروزی تجاری (بازار) و خرده پیروزی مرفه سنتی (کلریکال مانا) متکی است. چپاول و عارت جامعه توسط این بخش آفندر آشکار است که نیاز به توضیح و ارائه ارقام ندارد و تنها با سوداگران (مرکانتیلیستها) قرن ۱۶ قابل مقایسه است.

در وجه سیاسی این رژیم چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی به یک سیاست عمیقا تجاری متکی است. در عرصه داخلی حاکمیت ارتجاع نه فقط برای توده ها، بلکه برای متحدین قبلی اش چرخ سر نیزه چیزی نداشته و دستگاه عرض و مسوولیت خاص خود را در این زمینه بوجود آورد.

دستگاههایی که حتی قادر به حل روزمره مسائل مردم بشود رژیم شاه نبوده و فقط برای اختناق و جنگ آفریده شده اند.

و در عرصه بین المللی نیز این رژیم متکی بر سیاست ارتجاعی پان اسلامیتی و صدور ارتجاع بوده و در این زمینه نیز یک شیشه بین المللی ارتجاعی بوجود آورده است جنگ تشنج آفرینی، بحران زانی، صدور و تروریسم نمود های اصلی این سیاست بین المللی است.

در وجه ایدئولوژیک رژیم کنونی متکی بر "ولایت فقیه" است.

هرم روحانیت معتقد به ولایت فقیه نه در راس و محور آن شخص خمینی قرار دارد و دستگاههای وابسته بدان دستگاه حکومتی ایران را تشکیل داده و این هرم از ابتدای روی کار آمدن حکومت تائتون نقش اصلی در تمام سیاستهای رژیم که جنبه استراتژیک وایدار داشته دارد. تمام برنامه های اصلی رژیم توسط این هرم طرح ریزی و پیروز تصویب راس هرم اجرا شده است. این رژیم در وجه ایدئولوژیک به کلی متزوی و در میان تمام کسانسی که به نحوی مدعی اعتقادات اسلامی هستند مرد شده می باشد. علاوه بر علمای مذهبی سنتی که

جملگی بر عیر اسلام بودن خمینی اعتقاد دارند تمام مراجع اعظم شیعه در سراسر جهان با این هرم و نیز با ولایت فقیه مخالفتند اگر چه آنها نیکه در دست رس رژیم هستند به سازش یک طرفه تن داده و به اصطلاح تقیه می کنند. مسلمانان انقلابی جملگی با این رژیم و دستگاه ایدئولوژیک آن مخالفت آشکار و خصمانه نموده و به جرئت می توان گفت که مطرود بودن این دستگاه ایدئولوژیک در بین نیروهای مدعی داشتن اعتقاد ایدئولوژیک اسلام می به مراتب بیشتر از مطرود بودن پول پوت در نیروهای مدعی داشتن اعتقادات مارکسیستی است.

واضح است که رژیم با این ساخت و ساختها متکا به سیاستهای فوق نه فقط عمیقا با منافع توده های محروم جامعه و گرایشات دیموکراتیک و ترقیخواهانه در تضاد است، بلکه با جهت ضد حرکت زیر بنا جامعه نیز در تناقض آشکار است.

و اگر چه تحت تاثیر و اجبارات مکانیسم جامعه تغییراتی نه تعیین کننده را از این زیر بنا می پذیرد و در مجموع بطور تائتیک در خدمت آن است.

بنا بر این مجموعه ساخت و بنا در این رژیم هم بنا جهت ضد حرکت زیر بنا و هم بارشد گرایشات دیموکراتیک، ترقیخواهانه و انقلابی توده ها در تضاد عمیق و آشکار است و این رژیم بحران در جامعه ایران است.

اگر این رژیم بخواهد در جهت حل بحران و تثبیت خود حرکت کند، باید در زمینه اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیک، تغییرات اساسی در سیاستهای خود که رابطه ارگانیک و تنگناست با هم دارد بوجود آورد و بطور تعیین کننده و در گام اول از دستگاه ایدئولوژیک خود و فرمانروائی راس هرم صرف نظر کند. به بیانی دیگر اولین اقدام حرکت سیاسی اساسی در جهت نفی ولایت فقیه در تئوری و عمل است و طلبنا هر کودک سیاسی می داند که چنین تغییری منجر به نابودی کل این رژیم خواهد شد.

این را خود سران رژیم بارها اعلام نموده و گفته اند یک قدم عقب نشینی منجر به نابودی اسلام (منظور نابودی هرم روحانیت معتقد به ولایت فقیه و رژیم خمینی) می شود. و این علت بن بست حاکمیت ارتجاعی می باشد. سه عنصر اصلی که همواره در گفتار و کلمات سران رژیم ذکر می شود بازار، روحانیت، سپاه، و به بیان دیگری عارت، اختناق و جنگ مشخص کننده همت واقعی این رژیم می باشد و هر تغییری در این سه عنصر منجر به تغییر ولایت فقیه این سیستم رابه کلی در هم می ریزد. بنا بر این این رژیم، با حفظ عناصر همتی اش قادر نیست در یک پروسه حرکت (چه ساده، چه پیچیده و زنگزنگی، چه کوتاه، چه طولانی) به رژیم هائی از نوع مثلا رژیم ضیاء الحق (که مدعی ساسلام نیز می باشد) یا رژیم ترکیه ... شود و از طرف دیگر به علت ماهیت ارتجاعی و ضد دیموکراتیکش نمی تواند در جهت درهم

رهبری طبقه کارگر
ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دیموکراتیک خلقهای ایران است

شکستن زیر بنا و استقرار نهاد های مردمی حرکت نماید و اساسا رسالت و وظیفه این رژیم جد و گیر ی از وقوع چنین امری بعد است مردم بود و خواهد بود . بنا براین ست گیری این رژیم نبعه سمت رژیم هائی از نوع رژیم شاه و رژیم های حاکم بر پاکستان و شیلی . می باشد و نه بچک رژیم مردمی . بسیاری معتقدند که اگر عمر تنگین بهشتی کفاف می داد او می توانست بانفوذ بکه در دستگا معتقد به ولایت فقیه داشت و با توجه به هشمار ی ضد انقلابی اش و البته پس از مرگ خمینی پسود طبقه بورژوازی ، ولایت فقیه را قری بانسی و سیستم را حفظ نماید . شاید کسانی که از نابود دی اورنج می برند به این تحول دل بسته بودند . اما به هر حال اکنون رژیم فاسد چنین عناصر است .

بحران و بن بست در جوهر این رژیم نهفته است " ذات ناپاخته " از تغییر پذیری این رژیم نمی تواند موجد تغییر و تحول شود . واضح است که اگر رژیم بشواهد به ابتکار خود بحران را حل و از بن بست خارج شود با اقداماتی از قبیل آنچه در ابتدا بدان اشاره کردیم هیچ قدمی در این راه برنداشته و این حرکات نمی تواند پایه های حکومت را تثبیت و بحران انقلابی را حل و یا به بحران معمولی و یا قانونی تبدیل نماید و بنسای براین مفهوم زست ها و حرکات اخیر رژیم را باید در جانی دیگر جستجو کرد . رژیمی که نتواند در جهت حل بحران حرکت کند نمی تواند اقدامات تشرک تحت تاثیر عوامل متعدد بعد ان دست می زند حرکات تثبیتی باشد . ضمنا نمی تواند در مقابل عوامل متعددی که به نحوی بر آن تاثیر و ضیق فانون کثر و واکنش آن را مشروط می کند بسی تاثیر باشد ، بطور مثال ما دیدیم که چگونه رژیم تحت فشار گرایش صلح طلبی مردم اقدامات اساسی شورای ملی مقاومت در رابطه با صلح و قطع بمباران مناطق مسکونی و فشارهای بین المللی به یک معاهد عدلسی در رابطه

با قطع بمباران مناطق مسکونی با دولت عراق تن داد . در این جاست که عامل مقاومت و مبارزه بطور تعیین کنند و فشارهای بین المللی بعنوان عوامل تاثیر گذارند وارد می شود . رژیمی که بارها به مرگ تاریخی اش اعتراف نمود و مجبور به حرکاتی است که مرگ لحظه ای خود را هر چه بیشتر عقب بیندازد . بنا براین تا آنجا بتواند علاوه بر سرکوب که برنامه اصلی آن است به حریم قریب و مانورهای ظاهری که اساسا بنا برآید است متصل می شود و آنجا که دیگر ایمن حریم ها کاری نباشد مجبور به عقب نشینی می شود . در این عقب نشینی تا آنجا که ابتکار بدست خود رژیم باشد به نحوی صورت می گیرد که ساخت و پافت آن حفظ شود و بنا براین برای برای اینکه بتواند در این گونه موارد تعرض به مبارزه مردم را حفظ کند ادای را با پانترنگ و پسا رتبه موقتا از صحنه خارج می کند تا انرژی خود را برای نبرد با مبارزه و مقاومت تجزیه نکند . فراموش نکنیم که رژیم خمینی اگرچه در دوران چندین ساله حکومتش هر بار که منافع هرم روحانیست معتقد به ولایت فقیه ایجاب می کرد یک تله از زمین حکومت خود را کنار گذاشته است .

اما این رانیز نباید فراموش کرد که خمینی در این کنار گذاشتن ها هتیار ی ضد انقلابی جالبی از خود نشان داد اماست و دیدیم که چگونه در گرما گرم فوج ترین جنایات و کشتار از طرف رژیم ، چه گوند حزب منصور تود از پیشرفت انقلاب و اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی دم می زد . این مساله در مورد طرد لیبرالها و حجتیه نیز صادق بود . بنا براین حرکات اخیر رژیم در د و مؤلفه مانورهای ظاهری و عقب نشینی صورت می گیرد و نتیجتا هم عدای را که اساسا از محرومان و مستعیدگان جامعه نیستند می فریبند و هم واکنش جبری در مقابل مبارزه و مقاومت بر بستر استراتژی سرکوب از خود نشان میدهد یکی از مشخصات حرکات اخیر رژیم ، انعکاس این حرکات در دستگاه حکومتی و تشدید تضاد های هرم معتقد به ولایت فقیه است اگر به جبهه پندی درون حکومت توجه کنیم خواهیم دید که تضاد ها در خود دستگاه ولایت فقیه شکل گرفته و رشد می کند . کسانیکه تا دیروز برای نفی تمام جناحها متحد یکدیگر بودند امروز بر سر و مغز یکدیگر می کوبند این مساله خود نشان دهند و عامل تعیین کنند مبارزه و مقاومت در شکل گیری حرکات اخیر رژیم است زیرا این جبهه بندیها لفا با جبهه بندی حزب جمهوری اسلامی با بازگان و شی صدر یا با گروه حجتیه و حزب تود و متفاوت است . تضاد های کنونی در خود دستگاه معتقد به ولایت فقیه شکل گرفته و شدت می یابد و میتوان این تضاد ها را با تضاد اواخر حکومت شاه البته با شدت و حدت بیشتر مقایسه نمود و اگر رژیم شاه بد و ن شاه اساسا معنی و مفهوم نداشت ، صد ها بار بیشتر رژیم خمینی بد و خمینی به عنوان رأس و محور هرم معتقد به ولایت

فقیه معنی و مفهومی ندارد و اگر حرکات رژیم شاه در اواخر سال ۵۶ و در نیمه سال ۵۷ حرکات عقب نشینی و مانور بود این حرکات نیز البته در ایحاد دیگری (پانائیر پذیری بسیار کمتر عوامل بین المللی) حرکات تثبیتی نمی باشد . خلاصه کنیم : اصالت ، عشق ، کسترش و شدت یابی مبارزه و مقاومت مردم و نیروهای انقلابی (بصره شورای ملی مقاومت) رژیم حاکم را وادار به چاره اندیشی کرد ، جنگ و سرکوب سیاست اصلی این رژیم در مقابله با بحران و مبارزه تود ها است . رژیم علاوه بر پیش برد سیاست اصلی اش در مقابله با این موج فزاینده و مجبور به حرکات و اعمال است نه نیروی وارد از از این مقاومت را به شکلی در درون خود حل کند که کل سیستم آن واژگون نشود . این رژیم با ساخت و پافت سیاسی اقتصاد ای ، ایدئولوژیک کستر قادر به تحول پذیری در جهت پاسخ به نیاز های رشد زیر بنا نیست از این جهت حرکات این رژیم نمی تواند حصلت تثبیتی داشته باشد و این حرکات خود به عاملی در جهت کسترش بحران و اوج گیری مبارزه و فرورفتن بیشتر ارتجاع در بن بست خواهد شد . هر روزهای که در جبهه معده پیدا شود ، نیروی عظیمی از تود ها را آزاد خواهد کرد تجربه فرمان ۸ ماد ما د خمینی نشان داد که فقط آزاد گداشتن مردم در خرید و فروش نوار چگونه ایحاد سیاسی مخالفت با رژیم نمایان شد تود ها هنوز تسلیم سرکوب نشد و تن به تقنا و قدر نداد هاند ، مقاومت ایحاد کستره د و سرسری پیدا می کند . مردم به سیاست اندید و علاقمند و مسائل سیاسی راد نیال می کنند تضاد درونی رژیم ، بجزه در درون هرم معتقد به ولایت فقیه خمینی شدت می یابد رژیمی که خود به مرگ تاریخی اش اعتراف کرد ، برای تاخیر مرگ لحظه ای اش دست به اقدامات عقب نشینی و مانور در چهار چوب حفظ بنیادی اصلی ساخت کلی اش می زند حرکاتی که ناشی از فشار و مقاومت تود ها و ناتوانی رژیم در سرکوب قطعی انقلاب است . اینک این حرکات چقدر تداوم داشته و چه نوساناتی خواهد نمود ، مساله ایست که به عوامل متعدد بستگی داشته قابل پیش بینی نیست اما آنچه مسلم است تود ها و نیروهای انقلابی در ادامه و کسترش مبارزه و مقاومت برای در هم شکستن قطعی این رژیم و استقرار صلح و آزادی خود را آماده می کنند شورای ملی مقاومت بعلمت هتیار ی و آگاه ی از این شرایط تود ها را برای تعرض نهائسی و بیامسلسلحانه سرسرد و سپردن این رژیم ارتجاعی به زیاده دان تاریخ آماده می کند . در مسیر رشد خود هر عاملی راه سد راه انقلاب باشد کنار خواهد زد . این مساله که با وجود این شرایط بحرانی این لحظه تاریخی چگونه فرا خواهد رسید و چرا تاکنون رژیم خمینی سرنگون نشده ، سوالی است که ما در شماره آیند بدان پاسخ خواهیم گفت ●

جنایات وحشیانه رژیم خمینی

بچه از صفحه ۱
زند ان اعدام نمود ، کهادرین اعدام شدگان حتی افرادی وجود دارند که قبل از ۲۰ خرداد دستگیر شد مانند پختر این حبرد رتبه یز که صاد ف باروزهای ع زاداری عمومی ما محرم بود باعث حشم مسردم گردید و مردم قهرمان این شهر مراسم ع زاداری را به تظاهرات علیه رژیم خمینی تبدیل کردند . این تظاهرات با حدالت مزدوران سرکوبگر رژیم روبرو شد طبق آحرین حبرد را این حرکت اعتراضی عدای از مردم شهید و تعداد زیادی دستگیر شده اند .

در تکمیل و توزیع آثار سازمان بکوشید

پرتوان باد جنبش طبقه کارگرو پیشناز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

اخبار کوتاه

نا رضایتی از جنگ در میان پرسنل ارتش

در میان نیروهای ارتشی مستقر در جبهه نارضایتی از جنگ افزایش یافته و آنها به انتظارات پایان یافتن جنگ هستند. پارها اتفاق افتاده است که بین نیروهائی که از جبهه برای مرخصی میروند با پاسداران که مسئول بازرسی جاده ها هستند درگیری مسلحانه بوجود آمده است. بطوریکه نیروی زمینی مجبور به صدور بختنامه ای شده. مبنی بر اینکه پاسداران حق بازرسی ارتشیان را ندارند و فقط نیروی دریایی می تواند آنها را بازرسی کند.

بروبورد - کمیته های بروبرد در شهر گسیتی ها دارند که در مائتین های آخرین سیمت نهران پانترول سوارند که درشت آنها نوبت ۴۷۵۰ ، مردم برای این مارک مضمون درست کردند و می گویند مائتینهای چهار ولگرد

حدود سه ماه پیش یک ائیب از گسیتی های کمیته شامل رئیس کمیته و سه پاسدار از مرز دیگر که در خیابانها به ولگردی مشغول بودند ، به خانمی بر خود می کنند ، رئیس کمیته که از قبیل نسبت به این خانم سو نظر داشته وی را به بهانه عدم رعایت حجاب دستگیر می کند . هنگام دستگیری برای آنکه ظاهر قبیله را حفظ کنند ، این خانم را در یک پتومی بپوشانند که به اصطلاح خودشان دستشان به نامحرم نخورد . در کمیته هر چهار نفر به او تجاوز می کنند و سپس او را آزاد می کنند.

قبل از آزادی وی سوگند خورده بود که موضوع را به همسرش خواهد گفت . پاسداران برای سرپوشرنگ داشتن بر جنایت خود همانروز شوهر این خانم را دستگیر و سرعماً به بنرم میکاری پسا مجاهدین اعدام می کنند . زن پس از آزادی نمی تواند شوهر خود را پیدا کند ، تا اینکه آخر شب توسط هیئتکاران شوهرش را از دستگیری وی مطلع می شود . وی به اتفاق خانواده شوهرش به دنبال گرفتن خبر از شوهر به نهاد های ضد انقلاب می مراجعه می کنند ولی نمی توانند خبری دریافت کنند تا اینکه فردای آنروز کمیته چی ها به پدر و مادر او اطلاع می دهند ، بدون سرودا جهت گرفتن جنازه پسرشان به بیمارستان بیایند . خانمی که همسرش را هم از دست داده بود فردا به بیمارستان می رود و امیراد تمام مسائلی را که بر وی گذشته بود برای مردم نقل می کند و مردمی که جمع شده بودند تا جنازه را به کورستان ببرند تابوت را برد و تر گرفته و به کمیته می برند . در نزدیکی کمیته زد و خورد شدیدی بوجود می آید و سه تن از مردم به شهادت می رسند . همچنین

بیانیه شورای ملی مقاومت

۶/مهرماه/۱۳۴۲

شهریه "انقلاب اسلامی". ناشر افکار آقای بنی صدر، در شماره ۸۲ مورخ ۲۱ شهریور ماه ۱۳۴۲ تحت عنوان "چراش جدائی مجاهدین از بنی صدر" مطالب نادرستی همراه با توهین آشکار به شورای ملی مقاومت و تبعیت و انضباط به سازمان مجاهدین خلق ایران منتشر کرده است که می تواند پارهای ادهان ناوارد را بشوش کند. شورای ملی مقاومت وظیفه خود می داند به این مناسبت نکات زیر را به اطلاع افکار عمومی برساند:

۱ - برخلاف نوشته شهریه نامبرده فقط "مجاهدین از بنی صدر" جدا نشده اند. شورای ملی مقاومت بر اساس تصمیمی که در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۴۲ به اتفاق آراء اتخاذ کرده بود، به همکاری خود با آقای بنی صدر خاتمه داد که در اطلاعیهی ۲ فروردین ۶۲ برای اطلاع عموم اعلام گردید. جریان این قطع همکاری بطور خلاصه از این قرار بود:

الف - در تاریخ ۲۰ اسفند ۶۲ در جلساتی به دعوت سازمان مجاهدین ، این سازمان موضع خود درقبال آقای بنی صدر (مدرج در نامه مسئول اول سازمان مجاهدین به آقای بنی صدر به تاریخ همان روز) را به اطلاع کلیه هم پیمانان خود در شورای ملی مقاومت رساند و با تاکید بر اینکه تعیین تکلیف و وضعیت خود در شورا را کاملاً به عهدهی اعضای شورا می گذارد، در مورد انتشار نامهی مرور و نیز دربارهی صلاحیت ادامهی کار مسئول اول این سازمان بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت ، نظرخواهی نمود. نظر فاطمی چهارم این بود که سازمان مجاهدین نامه خود به آقای بنی صدر را منتشر ننماید و مسئول شورا جلساتی فوق العادهی شورا را نیز بخواند تا موضوع در آنجا مورد رسیدگی قرار گیرد.

ب - جلسه فوق العادهی شورا در تاریخ ۲۵/۱۲/۶۲ برای رسیدگی به این امر تشکیل شد. باید خاطرنشان نمود که مسئلهی رابطه میان شورا و آقای بنی صدر از مدتها پیش مورد سوال بسیاری از اعضای شورا بود و آنها خواستار طرح موضوع در دستور کار شورا بودند.

ج - در اجلاس فوق العادهی روزهای ۲۵ ، ۲۶ و ۲۷ اسفندماه ۱۳۴۲ شورا به اتفاق آراء به این نتیجه رسید که:

۱ - در شرایط کنونی امکان ادامه همکاری با آقای بنی صدر در رابطه با ماده ۷ فصل اول برنامه ۳ در مورد ریاست جمهوری آقای بنی صدر مسفی است و العاقبتهی نتیجهی آن ایجاد بی اعتمادی در میان اعضای شورا با آقای بنی صدر برای آنکه در آسامی "استجابات رژیم خمینی" مورد سوءاستفادهی رژیم فرانکیزد، متراکه اعلام شود. از این توافق بر سر من اطلاعیه، در آخرین لحظه آقای بنی صدر از اعضای آن سر باز زد. این اطلاعیه در تاریخ ۲ فروردین ۶۲

د و تن از پاسداران جنایتکار بدست مردم زخمی می گردند . در این رابطه سپاه دخالت کرده و بسیاری را دستگیری کند .

حرکت اعتراضی مردم رحمتکشان

اخیرا مردم مناطق فوتبال ، پهل گرد و وباس آبسا در شهر اراک که با کمبود آب و برق مواجه هستند به شهرداری مراجعه کرده و خواستار جواب از مسئولین میشوند ، مسئولین شهرداری در مقابل اعتراض این مردم زحمتکش سعی می کنند با قبول و قرار دروغین آنها را پراکنده نمایند . ولی وقتی مردم از این قول و قرارها قانع نمی شوند ، به دستگیر خواجه پیری استاند ار خائن ، سپاه ارتجاع وارد عمل می شود و با دستگیری عدده زیادی از این حرکت اعتراضی را موقتاً ساکت می کنند .

یاد آوری می کنیم که گسترش و عمق یابی این حرکات منوط به سازماندهی توده ها ، در واحد های مخفی مقاومت و هدایت آن از طریق نیروهای پیشرو می باشد .

به اعضای شورای ملی مقاومت منتشر گردید .

۲ - ادعای اینکه "شورا" وجود خارجی ندارد و اگر چیزی به این نام وجود هم دارد بطور عمده "آلت دست مجاهدین" است ، ادعای ناروایی نیست . مدعای مدیدی است که هم ضدانقلاب مغلوب و هم آقای بنی صدر و روزنامهی ناشر افکار او این دروغ بزرگ را تکرار می کنند . آنچه حقیقت هموطنان از بابت زندگی درونی شورای ملی مقاومت بدانند آن است که:

اول - علیرغم تمامی سعیهای شریه نامبرده شورا تاکنون هیچ تصمیم سیاسی نگرفته است که بلافاصله آنرا به اطلاع مردم برساند . ثانیاً - آنکه در شورا ساقی از موافقت استثنائی و امتیاز ویژه برخوردار بود ، شخصی آقای بنی صدر بود که با رویه "یک با دو هوا" هم رئیس جمهور شورا بود و هم هیچگاه هیچ تهدید و انزاسی نسبت به این شورا و اصحاب خود در پای برنامه و صورت آن احساس نکرد . مسئول شورای ملی مقاومت به حسن سب نظر به انعطاف های زیاد از حد و ملاحظاتی فوق العاده ای که از آغاز تشکیل شورا برای حفظ ثنوبات آقای بنی صدر معمول می داشت ، بارها مورد اعتراضی اعضای شورا گرفت . با این همه در اعتماد اعضای شورا ملی مقاومت نسبت به مسئول شورا هیچگاه هیچ مذاکره یاسی وارد نیامد . مسئول شورا هیچگاه هیچ مذاکره یاسی با آقای بنی صدر نکرد که آنرا به اطلاع شورا برساند و شورا هیچ تصمیمی نگرفت که مسئول شورا آنرا به مرحلهی عمل درآورد . حد رسد که خلاف آنرا عمل کند . بنابراین ادعای "زودبید" های خصوصی مسئول شورا با آقای بنی صدر هر چند شاید آرزوی قلبی گردانندگان روزنامهی ناشر افکار آقای بنی صدر بود ، سراسر کذب محض است .

۳ - اگرچه هیئتی تبلیغاتی و راست و دروغ به هم بافتن شایعهی همبستگی روزنامهی ناشر افکار آقای بنی صدر بوده است ، اما حرکات اخیر این سریه و گردانندگان و نظریه پردازان و هم صدائیها ضد انقلاب ، در کویبیت و تصمیم شورا و نوبت به مسئول شورا در این موقعیت که جنس مقاومت مسلحانه در داخل کشور در حال اعتلاست و بورس عدالتی رژیم خمینی به کردستان و پیشروگان دلیر آن سامان نیز به منتهای شدت خود رسیده است . بی هدف نیست :

آقای بنی صدر و روزنامهی ناشر افکارش بصراحت به خواننده فهیمندماند که در انتخاب بین خمینی و شورا - یا خمینی و مجاهدین - بی هیچ تردید طرف خمینی را خواهند گرفت و این درست همان انتخاب باقایی رژیم شاه و حامیان بین المللی آنان نیز هست ، پس تلاش آقای بنی صدر و روزنامهی ناشر افکارش بجهت در صحنه ۷

بی اعتنائی مردم به هفته جنگ رژیم

برنامه رژیم برای هفته جنگ با بی اعتنائی و مخالفت مردم روبرو شد . برای نمونه افرادی که از سه راه آذری میرفته اند با راه بند انخیسایان مواجبه می شود . بدستزادی معطل می مانند و در آن اطراف مردم از یکدیگر می پرسند که چه حیراست ، بالاخره متوجه می شوند که هفته جنگ رژیم است . که باپای پیاده ، بطرف مقصد خودشان حرکت می کنند . یکی از افراد این جمع گفته که اکثر قریب به اتفاق مردم اظهار نارضایتی می کردند ، عده ای که چندان هم کم نبودند علناً محترمی دادند (حتی در میدان آزادی که فالانژها جمع بودند) ، چنانکه این شخص تعریف کرد ، مردم آنقدر از رژیم بیزار بودند و آنقدر فخر دادند که دل همصان خنک شد .

اخیرا رژیم دو هزار جفت کفتر مخصوص راهپیماسی روی برف خریداری کرده این کفشها برای نیروهای مخصوص سپاه که در عملیات زمستان در کردستان شرکت می کنند خریداری است .

نابود باد امپریالیسم جهانی بسزگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

نقد "طرح برنامه اقلیت (۲)"

بسیارگونه که در شماره انبرد خلق نوشتیم این مقاله نوشته رفیق سعید مشول سازمان در فردستان می باشد که در نقد طرح و برنامه اقلیت نگاشته شد و صمیمانه و بی‌طرفانه (هویت) سپهناهی می باشد در این شماره بیشتر دیگری از مقاله چاپ می شود.

۱- جنبه متحد انقلابی: اید و جنبه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بر این پایه فرار از که در مبارزه برای نابودی سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب دموکراتیک، ایجاد اتحاد و اتحاد عمل بین پرولتاریا و دیگر اقشار انقلابی جامعه ضروریست. در جاتی که منافع مشترک وجود ندارد، هدف مشترک و طریق اولی عمل مشترک وجود نخواهد داشت. (مارکس) اما در جاتی که "منافع مشترک" وجود دارد باید "هدف مشترک" و "عمل مشترک" نیز وجود داشته باشد. نزدیک به یک قرن پیش لنین نوشت که پرولتاریا اگر در مبارزه برای سوسیالیسم تا حد زیادی تنهاست، اما در مبارزه برای دموکراسی تنها نیست. بنابراین سوسیال دموکراتها از هر جنبش انقلابی برضد رژیم اجتماعی معاصر، از هر ملیت مستبدیده، از هر مذهب و هر قومیت، از هر صنف و هر نژاد و هر غیره در مبارزه با آنها راه انحراف تساوی حقوق پشتیبانی می کنند. (لنین-سوهانف سوسیال دموکراتهای روس)

در نتیجه اساساً اید "جنبه متحد انقلابی از همان اوان توسط پارتیان سوسیالیسم علمی پایه ریزی شد است. اما صریح مشخص "جنبه برمی گردد به دوران فعالیت و زندگی انترناسیونال کمونیستی سوم. در این دوره طرح ایجاد جنبه پس از بحث های خلاق و فعال که در کنگره های انترناسیونال جریان داشت چه بصورت تئوریک و چه بشکلی عملی آن حد و به تصویب رسید. و از آن به بعد بعنوان رهنمود اساسی کمینترن برای کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، برای پیروزی کمینترن انقلاب دموکراتیک در این کشورها آمد، و نیز بعنوان یکداز بهترین وظایف احزاب کمونیست و کمونیستهای این کشورها مطرح شد. تا گفته نماند که در همان زمان کسانی در کمینترن بودند که از موضع ستارستی به مخالفت با اید متشکلی جنبه انقلابی برخاستند و در یکسری از کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، برای سکتاریستی ضربات جبران ناپذیری به مبارزات مردم علیه امپریالیسم وارد نمود و باعث از دست رفتن فرصت های طلایی و باز نگشتن برآمد رهایی و نابودی امپریالیسم گردید. بعد هاد کمینترن هم با مبارزه اید تئوریک قاطع علیه این انحرافات ستارستی و هم به علت تئوریکه نهاد کمینترن این اید بسیار زود منزوی شد در هر حال از آن تاریخ به بعد مسئله ایجاد جنبه متحد انقلابی (مادراین مقاله به مسئله چگونگی تشکیل جنبه و نیروهای محرکه آن در هر شرایط مشخص نمی برد اید) همواره بعنوان یک اصل

برنامه ای کمونیستهای کشورهای تحت سلطه مطرح بود. است. در طول حیات سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران نیز همواره روی اید "جنبه" بعنوان یکی از مسائل مهم انقلاب دموکراتیک ایران بدستی انگشت گذاشته شد. است و از طرف بنیانگذاران سازمان و بجه رفیق جنزی به این مسئله بهای لازم دادند و بدین تأکید بسیار نمودند. اند. در اولین کنگره سازمان در رؤستان نیز بد رستار تسطیل جنبه انقلابی خلق پیسه عنوان یکی از پیش شرط های پیروزی مضمی انقلاب دموکراتیک ایران نام برد. و در رسوبه اصلی از آن در کنار ایجاد حزب و ارتش خلق یاد میشود.

با غالب شدن ستارسیسم بر رهبری جریان اقلیت گام، آن خطوطی که در کنگره تحت فشار حفظ اصولی تصویب شد. بود. کمرنگ و کمرنگ تر شد تا اینکه بالاخره بدون هیچ توضیحی به "آرامی" و بدون سرو صدای "جنبه" از نوشتجات اقلیت رخت بر بست و امروز در طرح برنامه اقلیت اثری از این مسئله مهم انقلابی ایران نمی بینیم. در شرایط جامعه ما بعنوان یک جامعه تحت سلطه امپریالیسم، اید گاهی که با تشکیل جنبه مخالف است نه تنها اید گاهی سکتاریستی و ملیه مارکسیسم - لنینیسم و تمامی دستاورد های انقلابات رهایی بخش حلقه های تحت حتم جهان است بلکه اساساً متضاد تر و سکتاریستی دارد. (مراکز نکتیم که جریان تر و سکتاریستی (که بعد هابنم گرایش سوسیالیستی اعلام موجودیت نمود) نیز در کنگره اول سازمان باید تشکیل جنبه شدیداً مخالف بود. حال رهبران اقلیت هر میزان در مورد اتحاد کارگر و افشار حرد و بورژوازی در انقلاب دموکراتیک متوجه ای ایران ناخود آگاه شدند، و متوجه نفی جنبه متحد انقلابی می گردانند، سلتانسان داد اند که هیچ گونه اعتقاد به حرفهای هر آب و تاب خیسوندند از ند و بشکل مائونکی سعی در رجد انی پرولتاریا از متحدین خود می نمایند. این سیاست عملاً سدی در راه پیروزی انقلاب دموکراتیک، که منوط به اتحاد پرولتاریا با سایر اقشار انقلابی جامعه است، ایجاد می نماید. لنین هنگامی که از وظایف نوی کد برابر انقلاب ۱۹۰۵ پیش روی کمونیستهاست صحبت می کند اشاره می نماید که

"... ساختن یک تشکیلات وسیع تر و انعطاف پذیر تر و بهتر، تدارک میام و تسلیح مردم و برای این معاصد دستیابی به موافقتنامه هائی با دموکراتهای انقلابی" (لنین-وظائف جدید و نیروهای جدید)

برای هیچکس جای شکی نیست که منظور لنین از تشکیلات وسیع تر، انعطاف پذیر تر و موثرتر ایجاد یک حزب نبود. و بجهر اینکه لنین دست یابی به موافقتنامه با دموکراتهای انقلابی رانیز گوشزد می کند. بنابراین جای تردید نیست که لنین از یک بلوک انقلابی صحبت میکند که بعد هاتحت عنوان جنبه نماید. شد. در همین مقاله لنین تأکید بسیار بر وسعت کمی نیروها دارد و حتی تأکید

می کند که چه بسا بعلافت پائین آمدن کیفیت ضرورت داشته باشد که سربازان نشر ژرنالها را یفایند. حتماً اگر لنین امروز زنده بود و این سخنان را می گفت سکتاریستهای اقلیتی به این دلیل که حزب خود از سلطت جنبه استفاده می کند و رواند های می نماید. معلوم نیست اگر اقلیت به این نحو استدلال خود پایبند باشد تکلیف خود را با این مسئله که حزب خائن بود باز مارکسیسم - لنینیسم هم در حرف صحبت می کند، چیست؟

طبقاً ما با خطراتی که حزب خائن بود، با هر نیروی اپورتونیستی دیگری از یک مقوله یا واژه استفاده می کند خود را برای استفاده از آن محروم نمی نمانیم. حتی ممکن است در بسیاری از مواقع اتفاق افتاد که مارکس و انگلس و لنین بسیاری از اید های خود را با مطالعه متون پیروانی شکل دادند. مگر این جعله که "جنبه اد ایه سیاست است" متعلق به یک ژرنال سر کوکری نیست. همه میدانند که لنین چگونه از این مفاهیم بنحو احسن استفاده نمود. این شیوه مبارزه اید تئوریک اقلیت شیوه لینه شد هاست که با استعداد از وجود یک جریان اپورتونیستی، مخالفان سیاسی خود را به وابسته بودن فکری به آن جریان از میدان خارج نماید و جالب اینست که همین مسئله را کومله در مورد اقلیت بکار می برد و جایجا اقلیت را همان حزب بود. می نماید. صعباً متنگامی که اقلیت بدین شکل با ما برخورد میکند، خود را در موضع سحر انقلابی و سحر پرولتری قرار میدهد. اما بجا لنین:

"در باره اشخاص از روی جامعه مجلسی که خود را با آن آراسته اند و اغلب بر آب و تابی که بخود بخود بسته اند فتاوت نمی کنیم. بلکه از روی رفتارشان و اینکه در عمل چه چیزی را ترویج می کنند فتاوت می نمانیم" (لنین - چه باید کرد)

بطوریکه در همین مورد جنبه رفتار و حرکت اقلیت (ناهمان انداره محدودی که مؤثر است) در جهت درهم شکستن صفوف مبارزاتی مردم، در جهت اخلال در اتحاد پرولتاریا و سایر اقشار انقلابی در جهت اخلال در دستیابی به موافقتنامه هائی با دموکراتهای انقلابی که لنین روی آن تأکید می کند است. این رفتار پیوسته در رابطه با سورا ملی مقاومت پشنامه شکل خاصی از اتحاد نیروها بنحو پارزی سیاست اپورتونیستی عمیقاً راست اما در شکل "چپ" اقلیت را بنمایش می گرداند و طبقاً

این خط مشی و این رفتار اساساً موسمی انحرافی از ما رسیم - لنینیسم، موضعی اپورتونیستی که نتیجه آن به سود امپریالیسم و ارتجاع خواهد بود است.

مجلس مؤسسان انقلابی و دموکراتیک: رهبری تئوریک اقلیت نه تنها با مسئله جنبه متحد انقلابی خلق ضدیت می ورزد بلکه زیر پوشش شعارهای هر طعنا و هر نیرق و برق بدون محتوابه ضدیت و مخالفت با خواست تشکیل مجلس مؤسسان انقلابی و دموکراتیک نیز برخاسته و از این جهت سیستم ضد لنینی و سکتاریستی خود را بیشتر تکمیل می نماید.

نقد

افلیت در طرح و برنامه خود اساساً از مجلس مؤسسان حریفی نمی‌زند در حالیکه با بد بطور مشخص در برنامه حد اقل پرولتاریا ذکر شود که چگونه ارگانی صلاحیت تصویب قانون اساسی انقلاب در صورت کراتیک دارد. در این رابطه افلیت یک موضع نامشخص اتخاذ می‌کند در حالیکه همگنان کوملای ای آنها باز ذکر جمله "آن نظام سیاسی که می‌باید بنا بر نکوی رژیم جمهوری اسلا می‌جایگزین آن گردد." نباید نظام پارلمانی باشد" (برنامه حزب کوم - نیست کوملای) بطور مشخص با خواست مجلس مؤسسان مخالفت می‌کنند در حالیکه افلیت می‌گوید در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک خلق باید مفاد زیرتصمیم شود" (بخش حد اقل طرح برنامه افلیت) و معلوم نیست کدام ارگان باید قانون اساسی را مورد بحث قرار دهد تا در آن مثلاً "کنگره شوراها" نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار خلق بنامه عالی‌ترین ارگان حکومتی را تصویب کند و آیا اساساً اگر معلوم نباشد که قانون اساسی جمهوری دموکراتیک در کدام ارگانی به بحث گذاشته می‌شود می‌توان خواست "کنگره شوراها" را تصویب کرد. بهر حال از خود متن برنامه نمی‌توان چیزی فهمید ولی رهبری سکتاریست افلیت بر خلاف صورت نوشتار کنگره و برنامه عمل سازمان از مدتها قبل در نخره کار بجای مجلس مؤسسان از کنگره شوراها صحبت می‌کند (منجمله در مقاله الترناتیو پرولتاری و سئله تصرف قدرت کار شماره ۱۷۱)

و البته این عهد شکنی افلیت تاریکی ندارد و رهبری سکتاریست حاکم بر افلیت کام به کام مصوبات کنگره را زیر پا می‌گذارد. علاوه بر آن در گذشته ما بطور مداوم روی خواست مجلس مؤسسان تاکید کرده ایم و در همه مقاله و شعار در این رابطه در روزنامه کار نگاشته ایم. کافی است به شماره های متعدد کار مراجعه شود تا ببینیم این مسئله چگونه در گذشته مورد تاکید سازمان بود و پاره‌پاره‌ی آن تاکید کرده است.

بطور مثال از کار شماره ۱۱۵ تا ۱۲۸ بطور متد شعار پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان در صفحه اول قرار داشت. همچنین در کار ۱۱۵ مقاله اصلی در این رابطه است، در کار شماره ۱۱۹ مقاله‌ای تحت عنوان "در باره مجلس مؤسسان"، در سرمقاله کار ۱۲۱ تحت عنوان "چگونه می‌توان انقلاب را به جلو سوق داد" در کار ۱۲۱ در مقاله "انقلاب و مقام و مجلس مؤسسان" در سرمقاله کار ۱۲۵ در نامه سرکشاده به مجاهدین خلق به امضا سه سال زمان و در سرمقاله کار ۱۲۵ از خواست تشکیل مجلس مؤسسان دفاع شد. بعد از کنگره برنامه عمل ارائه شده و نیز از خواست تشکیل مجلس مؤسسان بعنوان ارگانی که قانون اساسی انقلاب دموکراتیک خلق در آن باید به تصویب برسد دفاع شده اما از هنگامیکه رهبری جریان سکتاریستی به شیوه غیر لنینی بر تشکیلات حاکم گشت، این خواست از برنامه و تبلیغات سازمان بدون هرگونه توضیحی رخت بر بست. رهبری سکتاریست حاکم بر افلیت در توضیح شفاهی به دو روش متوسل می‌شود روش اول مخصوص آنهاست که هنوز تسلط پلانازع رهبری سکتاریست رانی پذیرند ولی وجود آنها

برای اهداف این رهبری هنوز لازم است، به این دست افراد گفته می‌شود که جای این بند در برنامه نیست. البته این استدلال آنقدر صحیح است که کمتر کسی رافتح می‌کند. روش دوم بر این مبنا قرار دارد که مجلس مؤسسان یک خواست بورژوازی و کهنه شده است. اما در این بخش صد لنینی بودن استدلال دوم را می‌شکافیم.

جریان‌هایی که با خواست تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی مخالفت جمهوری پارلمانی معمولی را با درخواست تشکیل مجلس مؤسسان یکی می‌گیرند و بدینوسیله روی خواست تشکیل مجلس مؤسسان مهر باطل می‌زنند. در حالیکه در دولت نوع جدید و جمهوریهای غیر بورژوازی نیز خواست تشکیل مجلس مؤسسان تا وقتی برای توده ها کهنه نشد و در مقابل آن الترناتیوی موجود نباشد (کنگره شوراها) که در آن کارگران و زحمتکشان در آن غلبه داشته باشند نمی‌تواند نفی شود. گمانیکه بدون توجه بدین امر خواست مجلس مؤسسان رانگی می‌کنند به این جمله لنین توجه ندارند که: "مطلب بر سر آنست که تصور نشود آنچه که برای ما کهنه شده

است برای طبقه، برای توده‌ها هم کهنه شده است." (لنین - بیماری کودکی که پری در کمونیزم) بر این سلوب بود که لنین نه فقط در انقلاب دوم کراتیک از خواست تشکیل مجلس مؤسسان دفاع نمود بلکه حتی پس از کسب قدرت بوسیله پرولتاریاد انقلابی سکتاریست تا مدت‌ها از خواست تشکیل مجلس مؤسسان دفاع نمود. وی در دومین کنگره شوراها نمایندگان کارگران و سربازان روسی در ۲۵ اکتبر اعلام نمود که "این حکومت موجدات و اکتزاری بلاعوض زمینهای ملاکین و املاک تپول و موهوسه در برهرا به اختیار کسیت های دهقانی تامین خواهد کرد، باد موکراسی نمودن کامل ارتش، از حقوق سربازان دفاع خواهد کرد، تولید رانت کنترل کارگری قرار خواهد داد، امر دوت به موقع مجلس مؤسسان را تامین خواهد کرد." (لنین - مجموعه آثار ص ۵۶۱ تاکید از ماست.)

پله لنین نه فقط در انقلاب فوریه بلکه پس از کسب قدرت توسط پرولتاریا با هم از دوت به موقع مجلس مؤسسان دفاع می‌کند زیرا اولاً این خواست هنوز در توده ها وجود دارد و نیز هنوز در مقابل مجلس مؤسسان، الترناتیو جدید ترو مرفی تروجود عینی ندارد. اگر چه لنین در همان موقع که از خواست مجلس مؤسسان دفاع می‌کرد توضیح می‌داد که جمهوری شوراها با اتکا به کنگره شوراها نسبت به مجلس مؤسسان نوع عالی‌تر و دموکراتیک تر و نیز "یکانه شکلی است که می‌تواند انتقال به سوسیالیسم را به بیرون تبدیل تحول تامین نماید." (لنین مجموعه آثار ص ۵۶۱)

۴ ماه پس از انقلاب اکتبر لنین در رتبه‌های مربوط به مجلس مؤسسان با توضیح اینکه گروه بندی سیاسی نیروهای طبقاتی روسیه طی ماه‌های پس از انقلاب اکتبر تشخیر کرده و دیگر مجلس مؤسسان نمی‌تواند نمایندگی تمام مردم و بهیژه کارگران و زحمتکشان باشد پاهین مجلس مخالفت کرد. و تازه یکسال بعد از این تاریخ یعنی ۱۵ ماه پس از انقلاب اکتبر لنین طرح فرمان مربوط به انحلال مجلس مؤسسان را صادر کرد و این در موقعی بود که اکثریت مجلسی

مؤسسان در اختیار اس - ارهای را ست بسود و فرا کسیون بلشویکها و اس - ارهای چپ نیز که در همان مجلس مؤسسان حضور داشتند، اکثریت عظیم نمایندگان شوراها را تشکیل می‌دادند و بعضاً این حرکت آنها مورد تایید اکثریت کارگران و دهقانان بود. لنین می‌نویسد:

"خروج فراکسیون بلشویکها و اس - ارهای چپ که اکنون بطور قطع اکثریت عظیم شوراها را تشکیل می‌دهند و از اعتماد کارگران و اکثریت دهقانان برخوردارند، از چنین مجلس مؤسسان می‌تواند ناگزیر بود." (لنین - مجموعه آثار ص ۵۸۱)

این متن لنین در مورد انقلاب سوسیالیستی اکتبر بود. بعد از آنهم در انقلابات رهایی بخش دوم کراتیک دیگر کشورها و منجمله انقلاب ویتنام خواست تشکیل مجلس مؤسسان یک خواست اساسی در برنامه کومینستهای ویتنام بود. طبقاً دولت انقلابی ویتنام یک دولت نوع بورژوازی نبود. زیرا آنها پان قرن نوزدهم به بعد، انقلابیها نوع عالی‌تری از دولت دموکراتیک را ایجاد می‌نماید که بقول انگلس از بعضی لحاظ دیگر جنبه دولتی خود را از دست می‌دهد.

"دولت به معنای خاص این کلمه نیست، این دولتی است از نوع کمون پارسی که تسلیح مستقیم و بلاواسطه خود مردم را جایگزین ارتش و پلیس مجازا مردم می‌نماید."

(لنین - وظایف پرولتاریاد انقلابی) همانند در اینک اعلامیه نائیم که جمهوری مورد نظر ما (جمهوری دموکراتیک خلق) از نوع جمهوری پارلمانی معمولی نیست، چرا که تسلیح مستقیم و بلاواسطه خود مردم را جایگزین ارتش و پلیس مجازا از مردم می‌نماید، و بنابراین دولتی از نوع جدید است که تا کنون تاریخ شاهد سه شکل کمون پارسی کنگره سراسری شوراها و دموکراسی های توده‌ای بوده است، اما در همان حال اعلام می‌داریم کمونیزستگیا را بر نپاید. خواست تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی را در برنامه خود قرار دهند. مخالفت با این خواست انقلابی، بهر بهانه‌های برابر است با عدم درک مسائل انقلاب ایران وضعیت عینی مبارزه طبقاتی توده ها و نتایج انقلابیست به خط مشی سکتاریستی، خط مشی ای که اگر چه در ظاهر در شکل از نوع عالی‌تری از دولت دفاع می‌کند، ولی در عمل باعث اینک است که در نتیجه پروسه نفی "کهنه" و ایجاد "نوا" راضی نماید. در همان "کهنه" در جا می‌زند، و از قضا نهیستگان طرح و برنامه افلیت چون خود راه جای قفبه و بجای توده‌ها گرفته اند، تصریح می‌کنند چون مجلس مؤسسان برای آنان "کهنه" شده است در نتیجه برای "طبقه" و برای توده‌ها نیز کهنه شده است. اینک توده‌ها و "طبقه" چگونه به تجربه دریافته اند که مجلس مؤسسان، کهنه شد و ماست و نمی‌تواند حلال مشکلات جامعه باشد و بنابراین کنگره سراسری شوراها را باید به جای آن نشانند، نامشخص و نامعلوم است، و این سؤال است که رهبری افلیت باید بدان جواب دهد. شاید چون کنگره اول سازمان روی این مسئله با فشاری نمود و پس از کنگره در برنامه عمل سازمان قید شد و اکنون که افلیت در واقع بخشنه نا چیزی از کنگره را نمایند

نقد

کی می کند، برنامه عمل را "کهنه" شد، می دانند شاید هم طی این مدت شاهد انتخابات آزاد مجلس بود مایم و اقلیت چون مجلس شورای اسلامی را طرد کرد ماست همانجا مجلس خبرگان را دید ماست دیگر برخواست مجلس مؤسسان مهر باطل می زند اگر این استدلال اقلیت را ادامه دهیم به همان نقطه ای می رسم که قبلاً در نقد برنامه کومله و سپند نوشته شده است.

"آیا نهیستندگان برنامه که از جمهوری دموکراتیک - انقلابی صحبت می کنند، بدون هرگونه توضیح تشویک قبلی از آوردن خواست تشکیل مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی در برنامه شان خود داری می کنند؟ لابد تحت این توجیه تشویک که، مجلس یک نهاد پیروزی و منسوخ شد می باشد و تود مصفا نسبت به آن توهم دارند، کنگره شوراها را بجای آن فرار داد فاند. اگر چنین است منطفاً طی یک بررسی مجدد، نهیستندگان برنامه باید پامین نتیجه نیز برسند که جمهوری دموکراتیک - انقلابی (هر چقدر دموکراتیک و هر چقدر انقلابی) باز هم نسبت به جمهوری شورا می کهنه منسوخ شد ماست و اگر برای توده هادر تجربه روزمره ی آنها مجلس مؤسسان کهنه شده است (حتفاً تجربه مجلس خبرگان) پس تجربه جمهوری دموکراتیک نیز کهنه و منسوخ شده است و مثلاً اینکه لنون نه فقط در دوران انقلاب دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک، بلکه حتی تا اندکی پس از انقلاب سوسیالیستی و جمهوری شورا می، باز هم از مجلس مؤسسان دفاع کرد ماست و تنها هنگامی در مقابل مجلس مؤسسان، کنگره شوراها را فرار داد که توده هادر مبارزه روزمره به پیبهد بودن مجلس مؤسسان می برد، بودند، این لنون بود، که شیپور را از سر کشادش می زد مونس نهیستندگان و تصویب کنندگان برنامه حزب کمونیست (پخوانی نهیستندگان طرح برنامه اقلیت) (تحولات و رویداد های سیاسی در نیمه اول سال جاری ۰۰ و نوشته رفیق مهدی سامح)

واقعیت اینست که لنون بر اساس برنامه علمی، مسائل را حل می کرد و رهبری سکتاریست اقلیت بر اساس خواستها و امیال روشنفکران جدا از توده مومسکتاریست که هرگز جسارت برخورد با واقعیت را ندارند تشری پافی می کنند.

رهبری سکتاریست اقلیت که شرایط را برای تشکیل فوری حزب کمونیست آماده می بیند، شرایط را برای انجام انقلاب سوسیالیستی آماده تر بررسی می کند، وقتی این آقایان از جبهه متحد انقلابی بعنوان یکی از پیش شرط های پیروزی انقلاب دموکراتیک حرضی نمی زنند مجبورند از خواست تشکیل مجلس مؤسسان هم حرضی نزنند و کم کم به نقطه ای می رسند که پیکار سابق در اوج جا رویتجال ها یش بدان دچار می شد و نتیجه آن ماصله گرفتن از مسائل اساسی انقلاب، بهر افتادن از واقعیتها یعنی مبارزه اجتماعی، تشری با فسی در مورد حل مسائل اساسی جامعه کپه برداری برای توجیه انحرافات اپورتونیستی عقیقی که دچار آن می باشد است.

جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد

بقیه از صفحه ۹

رهبری و برنامه آن از جنبش است. ما اپانی نداریم از اینکه با ماصحیت اعلام کنیم در شرایط تاریخی کنونی، وظیفه کمونیستها در دفاع از جنبش ملی دموکراتیک خلق کرد، در وهله اول عبارت است حمایت از "اهداف و اشعار" آن یعنی "آزادی" و "خودمختاری" و حمایت فعال از رهبری و نیروی محوری این جنبش که در شرایط کنونی سرنوشت جنبش مسلحانه کردستان به سرنوشت و پیگیری حرکت این نیرو بسته است، یعنی حزب دموکرات کردستان ایران. اما طبیعی است که اینها نمی توانند تنها وظیفه انقلابیون باشد، بخصوص در شرایطی که جنبش کردستان مورد یورش و سرکوب وحشیانه جاد خصمی قرار گرفته است. می توان و باید وظایف زیر را نیز در دستور کار قرار داد.

الف- شرکت در مبارزه مسلحانه کردستان متناسب با توان، نیرو و امکانات کمی و کیفی هر جریان مشخص.

ب- کمک مادی، مدارکاتی، درمانی و غیره به جنبش کردستان.

ج- کوشش در جهت سازماندهی تبلیغ و ترویج و سخنرانی و گسترده تر برای افشای بنیاد رژیم خمینی در کردستان و در سطح داخل و خارج از کشور کوشش برای معکوس نمودن اخبار

مبارزات کردستان به اشکال ممکن - کوشش برای سازماندهی مبارزات مردم

زحمتکشان ایران برای دفاع، پشتیبانی و همدردی با مردم تحت ستم کردستان و ...

همانطوریکه گفتیم این وظایف در حال حاضر بسیار بیشتر از گذشته بر جسته شد ماست و نیروهای انقلابی و کمونیست باید با مسئولیت و وظیفه خود به نحو احسن عمل نمایند.

این فشرده های از "فضایای جنبش انقلابی خلق، کردیود که به نظر ما هم "برای بخشهای وسیعی از زحمتکشان و ستم دیدگان ایران قضایا روشن است و اساساً مایه علت درک درست از

خواستهای زحمتکشان و ستم دیدگان به دیدگاه فوق دست یافته ایم. حال نهیستندگان اعلامیه می خواهند تحت عنوان شعار خروج اشغالگران که در ظاهر بسیار پرزرق و برق است، مبارزه خلق کرد را جدا از مبارزه سراسری خلقهای ایران کنند که کوشش امروز هر کارخانه، مزرعه، دانشگاه، محله، و در اشغال سرکوبگران نیست. جدا باید بابت این ندانم کاری اعلامیه نهیسان تاسف خورد و از هشدار خلق کرد خوشحال بود که دشمن خود را بخوبی شناخته و یک لحظه فراموش نکرد مکه سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایرانند. بنابراین کسانی که از حق تعیین سرنوشت بطور کلی صحبت می کنند، بدون اینکه از شکل مشخص آن (خودمختاری) که صنفاً بارها مورد تائید همه جانبه ملیست استمدید، کرد فرار گرفته و تا مین کنند، منافص زحمتکشان این ملیت استمدید است، حمایت کنند، اساساً از مبارزه خلق کرد حمایت نکرد ماند، همچنین کسانی که مبارزه مسلحانه خلق کرد در شرایط کنونی را امری خود بخودی و بدون پیوند با نیروی اصلی آن بررسی کنند و از خلق کرد بطور کلی دفاع نمایند بدون اینکه مشخص کنند ملیت ستم دیدگان کرد در کجا و چگونه خواستهای ملی خود را بیان می کنند، اساساً نمی توانند به مبارزه خلق کرد یاری رسانند و نیز کسانی که خواهند این مبارزه پر شکوه را از مبارزه سراسری خلقهای ایران (که اکنون تبلور عینی آن در وحدت حزب دموکرات کردستان ایران با سایر نیروها در شورای ملی مقاومت است) جدا نمایند و بخصوص بین حزب دموکرات و سازمان مجاهدین خلق تفرقه افکنی کنند علاوه جنبش خلق کرد ضربه وارد نموده اند. اینها بخصوص برای نهیستندگان "اعلامیه" بعنوان افراد یکی که حد اکثر در حرف با مبارزه همراهی می کنند (که البته ماصحیت آنها را به سطح نیروهای انقلابی به معنی اخص کلمه ارتقا نداد مونس می دهد) نمی گوئیم بنظر ما آنهاست که با اینگونه اعلامیه نهیسان بیرسریک میسر برای یک عمل مشترک می نشینند یا بدان توجه نمایند و گرنه وقت و انرژی به هدر خواهند داد و تاریخ سهل انگاری، ندانم کاری نیروها، افراد و جریانات سیاسی را فراموش نخواهد کرد. بکوشیم در برابر تاریخ و توده ها سرافراز باشیم.

بیانیه بقیه از صفحه ۸
برای بی اعتبار کردن شورای ملی مقاومت و ملاتری کردن آن چه معنای جز اظهار ندامت تلویحی به آستان ولایت فقیه می تواند داشته باشد؟
۴ - شورای ملی مقاومت دستیابی به استقلال و آزادی را علت وجودی و انگیزی تمام فعالیت های خود قرار داده و با ساززی نظم و حوس خود تاکنون وفاداری حوس به این دو هدف مقدس را اثبات کرده است.
پویندگان راه انقلاب خونین ما می دانند - و خوب مدعیان قدرت و مومسوزان حرفهای هم بدانند - که شورای ملی مقاومت برای دستیابی به این اهداف، هر سیاست و هر تاکتیکی را که درخور و به سود انقلاب تشخیص دهد، می اعنا به هوجگری و عوامفریبی نیروهای ضدانقلابی، عملی خواهد کرد. مقاومت و انقلاب خود اوج اخلاق است و نیاز به طعنان اخلاقی کناره نشین ندارد.
۵ - شورای ملی مقاومت به سئول شور، ماهویت می دهد تا جریان سوسی و کسب آقای بنی صدر و اطرافیان را به شورای ملی مقاومت، برای اطلاع عموم هوطنان اسرار دهد.
شورای ملی مقاومت

این بیانیه به ابعاد از، صوت و توسط نمایندگان احزاب و سازمانها و همسین کسب محصبت های عضو شورای ملی مقاومت سرچ و برضا کرده است:
• اسادان سعید دانشگاهها و مدارس عالی کشور
• آقای کاظم مافزاده • آقای دکتر ناصر پاکدامن
• جنهبد دنگراسک ملی ایران (بنمایندگی آقای هدایت الله سین دسری) • محبت افامه (بنمایندگی آقای حلال کجغای) • حزب دمکرات کردستان ایران (بنمایندگی کاک حلیل کادانی) • حزب کار ایران - طوفان (بنمایندگی آقای حمید بهیسی) • سروان حمید ریزکباش • سازمان مجاهدین خلق ایران (بنمایندگی آقای مهدی ابرینجمی) • سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سرو برنامه (هویت) (بنمایندگی آقای مهدی سامح) • برای متحد جنب (بنمایندگی آقای مهدی جانانیا سبزی) • کانون روحبندی اصناف • آقای دکتر سوجهر هزارجانی و ۲ اسمای دیگر (۱)

دیرجانی شورای ملی مقاومت

(۱) اسمی نمایندگان اینان متحد دانشگاهها و مدارس عالی کشور و کانون توصیه اصناف و همسین اسمی دو عضو دیگر شورا به لائل، یعنی ذکر نگردیده است.

جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد

بخیه از صفحه ۱

بر خلاف ادعای آگاهی سوسیالیستی و پرولتاری و دفاع از زحمتکشان، اعلامیه نهمان نسبت به قضائاتی که برای بخش‌های وسیعی از زحمتکشان و ستم دیدگان ایران روشن است در جهل عمیقی فرو رفته و این بار نیز چنگ آگاهی را نه از حساب خالی خود (همچون هبل میان تهی) بلکه به حساب زحمتکشان کشید مانند «منتوی بد سنا سی اعلامیه نهمان در این است که این بار هم زحمتکشان این "چک" (بحوانند اعلامیه) به صاحبش برگرداند و می گویند اعتبار ندارد. البته شاید این قضاوت احتیاج به سند نباشد و دوستان آقای بابک زهرانی که از ابتدا با ادعای "چپ" و "رادیکال" بودن از بابک زهرانی جدا شدند آنقدر از این چکهای بی محل از بیبیل "کمیته کارگری"، "میلیتار کارگری"، "استقرار رنجبش کارگری" کشید مانند و آنقدر این کلمات زیبا را مزه مزه کردند که کار اعلامیه نهی شان به تنا شده کشید ماست. مثلاً از آنکه ۵ سال است خلق کرد می گویند ما از حق تعیین سرنوشت خود به شکل خود مختاری استفاده می کنیم این دوستان می گویند "دو شعار محوری جدا افل که هفتاد و نه روزها باید بر اساس آن توافق داشته باشند عبارتند از حق تعیین سرنوشت برای ملت کرد و خروج نیروی اشغالگر نظامی (ارتش پاسداران) از کردستان" (نقل از اعلامیه دو خط تأیید از ماست) و سپس افزایشند "بر خلاف اعتقاد و آفرینی بسیاری از نیروهای فرست طلب شعار خود مختاری حزب دمکرات با شعار حق تعیین سرنوشت یکی نیست" (نقل از اعلامیه) اعلامیه نهمان پس از آنکه نشریه کار تئوریک و بخشی از جنبش کمونیستی (جناح چپ سابق) را با چاق هواداری از بهروز آری مورد "مرحمت" ستکباریستی قرار دادند، نظر خود را بیان کردند و می گویند "وحدت ملت کرد که در میان چندین کشور تجزیه شده و در همه بخشهای خود تحت ستم ملی قرار دارد، یکی از دیگر تکالیف دمکراتیک انقلاب کردستان است. بدین ترتیب، بدیهی است که تحقق حواست های ملی خلق کرد بدون سرنگونی دولت های سرمایه داری دست کم در عراق، ترکیه و ایران غیر ممکن خواهد بود. بر همین اساس، یک خواست برنامه انقلابی در مورد مساله کردستان باید عبارت باشد از وحدت خلق کرد در چهار چوب یک فدراسیون سوسیالیستی در کل منطقه" (نقل از اعلامیه دو خط تأیید ماست) در این جماعات برای آنکه فعلاً مساله مبارزه یعنی واقعی و کنکرت خلق کرد بر اساس منافع روستکشان اعلامیه نهمان نادیده انگاشته شود نسبت به خلق کرد دوستی بسیار بسیار خالصانه خرسانه ای می شود. "چک" اعلامیه نهمان کاملاً سفید است. اما یک سوال در همین ابتدا باید از اعلامیه نهمان کرد، آیا اساساً می شود در حق تعیین سرنوشت و خود مختاری را مقایسه کرد و گفت این دو یکی نیستند، اگر چنین مقایسه ای آزاد باشد چرا شامخ می دهد می گویند "دست

کم" باید "وحدت ملت کرد تأمین شود. بر طبق استدلال شما حق تعیین سرنوشت و وحدت ملت کرد نیز نمی تواند باشد. یک ملت ستمدید می تواند به اشکال گوناگون سرنوشت خود را تعیین نماید. یعنی در واقع شعار "زند" باید حق ملل در تعیین سرنوشت حوض فقط از یک حق برحق هروا سخن می گوید و هنوز وارد شکل مشخص اجرای این حق نمی گردد. در طول تاریخ ملل به اشکال زیر از این حق استفاده کردند

- ۱ - به شکل استقلال و تشکیل دولت مستقل ملی
- ۲ - به شکل فدراتیو - به شکل خود مختاری.

ملت کرد در ایران نیز با توجه به اوضاع بین المللی، منطقه ایران و بهترین راه رهائی خود را نسبت خود مختاری وسیع منطقه ای می داند و ظهور روشن و صریح آنرا به میان کشیده است.

اما در بحث مشخص ما در آن بحث ها نبود مومنی دانیم دوستان کار تئوریک سیاسی و بخشی از جنبش کمونیستی (جناح چپ سابق) چرا از صرف نهمندگان اعلامیه "متمم" به "مجاهد" بیرون و راه کارگر چرا متمم به "سازشکاری" شد ماست ناچار به یک مساله راصح با زهم تکرار کنیم تا اگر اعلامیه نهمان از عدم صراحت احتمالی این دوستان دچار نوبی "مدرستانی" شده و زمان را مناسب "تعرض" یافته اند، صراحتاً واقعیتی را بیان کنیم که اگر نهمندگان اعلامیه حتی یک نفر را برای مدت یک ماه در جنبش خلق کرد می داشتند آن را در دل می پذیرفتند، اینکه آیا بدان اعتراف می نمودند یا نه؟ مساله ایست که نمی توان قطعاً نظر داد. اما تجربه نشان داد ماست که "کارتها" کمتر جسارت پذیرفتن واقعیت های تلخ زمینی را دارند.

صفا ما این مساله را امروز نقد گوئیم و در گفتن آن هم صیق ترین مسئولیت نسبت به کارگران و زحمت کشان را در نظر گرفته و بطریق هر اندازه اختلاف و تفاوت نظر و عمل که با حزب دمکرات کردستان ایران در گذشته و حال و آینده داشته باشیم خود را موظف به بیان آن می دانیم، محض اطلاع نهمندگان اعلامیه این را هم بگوئیم که منمحل اقلیت در بحران لاعلاج تشکیلاتی و سیاسی هستیم که اجباراً برای حل موقتی آن نیرو رو شوم و اعلامیه مشترک با حزب دمکرات صادر کنیم و مصلحت گرائی اپورتونیستی حزب رنجبران را داریم که در روز از دست نشانده بودن حزب دمکرات دار سخن دهم و امروز بدون هرگونه انتقاد روشن و صریح و علسی از دوستی با حزب دم بزیم، ما این موضوع را هنگامی اتخاذ کردیم که سازمان پیکار در دوران رونق خود حزب دمکرات تجزیه طلب می نامید ما این حقیقت را امروز که رهبران حائن جریبان موسوم به اکثریت از حزب دمکرات کردستان ایران تعریف و تعجب می کنند نمی گوئیم، بلکه هنگامی که رهبری حائن جریبان موسوم به اکثریت در اتحاد با ارتجاع حاکم از "باند قاسم" و "....." سخن میداد گفتیم، ما این مطلب را در (کار شماره ۱۲۲، تاریخ ۲۹ مهر ۱۳۶۰) در مقاله ای تحت عنوان "بورشگترده رژیم به کردستان" بیان کردیم و این گونه نوشتیم "در سراب کونوسی به علت مجموعه شرایطی که حاکم برجانبش است

سرنوشت جنبش مقاومت خلق کرد با حزب دمکرات کردستان گره خورد. است و از این رو تضعیف حزب دمکرات در مقابل رژیم در مجموع تضعیف جنبش دمکراتیک و مقاومت خلق کرد می باشد. از این موضوع نباید مخالفین سیاست سازمان ما نسبت به حزب دمکرات این چنین نتیجه بگیرند که گویا مخالف سیاست و مستقل پرولتاریائی و سیاست مخالف انتقاد و برخورد سیاسی با حزب دمکرات می باشیم. برعکس ما معتقدیم که در چهار چوب قبول واقعیت فوق است که انتقاد و برخورد سیاسی می تواند مؤثر و راهگشای پیشبرد سیاست پرلتری و انقلابی در درون جنبش ملی گردد.

ما به خصوص این موضوع را یاد آوری کردیم تا اگر نهمندگان اعلامیه و یادستان در هر نزدیکی که از انقلاب و سوسیالیسم فقط در حرف دم می زنند تصمیم به عمل گرفتند و همه یک نفر را به کردستان فرستادند، و اگر آن یک نفر واقعاً تصمیم به دخالت در جنبش انقلابی خلق کرد گرفت و تنها یک ماه در آنجا اقامت گیرد وقتی به مطلب فوق می برد حد اقل این جسارت را داشته باشد که بدون ترس از بیعت دنباله روی بهرو آری و بطریق هر میزان اختلافی که با حزب دمکرات کردستان ایران دارد، حرف دل خود را رسماً نیز بیان کند.

همچنین برای اینکه مشخص کرده باشیم که خلق کرد هرگز دنبال اینگونه حواستهای "دست کم" نمی رود و دقیقاً منحصراً خود را در نظر دارد لازم است مروری کوتاه بر جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد کنیم تا روشن شود که واقعیت مبارزه خلق کرد چیست.

جنبش انقلابی خلق کرد جنبشی است ملیسی دمکراتیک و توده ای که برای رهائی خود یعنی کسبه حق تعیین سرنوشت می رزمند و می جنگند. زمانیکه اکثریت افشار و طبقات این جامعه (ایران) نسبت به رژیم خمینی متوجه بودند، اما خلق کرد در همان زمان درگیر مبارزات سختی با امان و غاری از توهم و خوشبختی به این رژیم سفاک بود، برای مردم غیر کرد ایرانی و حتی جریانات انقلابی جای تعجب بود، و هر کدام به شیوه ای به تحلیل این رویداد انقلابی می پرداختند. اما واقعیت این بود که ملت ستمدیده کردسالهای سال است با شعار روشن استراتژی که تعالی نگسر مدف مرحله ای اوست به میدان مبارزه پا نهاده است. و برنامه آن در هر دوره مبارزاتی بسیار پیچیده و خصوصیات خاص آن دو ران تطبیق داده شده است. بنا بر این طبیعی است که خلق کرد نسبت به رژیم خمینی دچار توهم نگردد و از همان اوان به مبارزات انقلابی علیه آن روی آورد. چرا که رژیم خمینی از همان اوایل روی کار آمدن ضدیت کامل ارتجاعی و ضد انقلابی خود را با خواست بحق و عادلانه خلق کرد نشان داد. برای رژیم خمینی مساله جنبش مسلحانه کردستان به قدری جدی بود که جایی برای فریب کاری و عمل کاری نمی گذاشت، بلکه پایت در نطفه آنرا سرکوب نمود و بازو سر نیزه جلو آنرا گرفت. اما زهی خیال باطل.

خلاصه للام شکل گرفتن جنبش مسلحانه کردستان بعد از قیام بهمن ۵۷ نه نتیجه بلا واسطه قیام

جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد

بلکه قیام بهمن ماه شرایط لازم را برای شکوفایی جنبش در کردستان فراهم کرد. این جنبش نتیجه ادامه همان مبارزات گذشته ملت کرد در کردستان ایران برای دست یابی به خودمختاری است. هدفی که رژیم خمینی از به تحقق در آمدن آن نه تنها ناتوان بود بلکه کاملاً زندگس آن در گسرو دشمنی با جنبش ملی - دمکراتیک کردستان قرار داشت.

اما اهداف و شعار جنبش عادلانه و انقلابی کردستان در عین حفظ خواستههای ویژه و خصوصیات خاص جنبش کردستان نافی پیوستگی وجدانشی ناپذیری مبارزات خلق کرد با مبارزات سراسری خلقهای ایران نیست.

پیوستگی و گسستگی مبارزات خلق قهرمان کرد با سایر خلقهای زحمتکش ایران در این مسئله خود را نشان می دهد که از یک طرف ملت کرد به مثابه یک ملت تحت ستم از ظلم و سرکوب ملی رنج می برد، خود حق نداشت سرنوشت خود را تعیین نماید و باید ملت بالا دست برای وی تعیین سرنوشت نماید. نتیجتاً به مبارزات ستم پیگیر، مداوم و حسیکی ناپذیر برای رفع لهیمن ستم پرحاشته و ستم است که حق تعیین سرنوشت حقیقتاً بدست آورد.

از طرف دیگر عدالت پیوستگی این مبارزه آن است که بدست آوردن حق تعیین سرنوشت به شکل مشخص خودمختاری بدون یک مبارزه هماهنگ مشترک و سراسری برای سرنگونی رژیم ضد خلقی حاکم (در هر دو طرف) و استقرار رژیم انقلابی و دمکراتیک امکان پذیر نیست. بنابراین هنر مبارزاتی رهبری این جنبش در این است که در عین توجیه به چریکها، شعارها و اهداف خاص این جنبش ملی، مبارزات آنرا در پیوستگی با مبارزات سراسری خلقهای ایران هدایت نماید. اکنون بیش از هر زمان دیگری جدائی ناپذیر بودن مبارزات خلق کرد با

مبارزات سراسری خلقهای ایران در عمل مبارزاتی به اثبات رسیده است زیرا:

اولاً خلق کرد با سایر ملل و توده های زحمتکش ایران در موقعیت تاریخی کنونی برای تحقق یک شعار و هدف واحد (در عین حفظ ویژگیها، خواستهها و اهداف خاص خودش) یعنی سرنگونی رژیم خمینی و برقراری رژیم دمکراتیک می رزمند. ثانیاً با پیوستن نیروی اصلی مبارزات ملی مبارزات خلق کرد (حزب دمکرات کردستان

ایران) پیشروی ملی مقاومت به مثابه تنها آلترناتیو دمکراتیک برای سرنگونی رژیم ضد انقلابی خمینی اتحاد و پیوند مبارزاتی ملت کرد با سایر ملل و توده های زحمتکش ایران بیش از هر زمان مستحکم گردیده است. نیروهای انقلابی باید از این اتحاد پیروند

مبارزاتی نزدیک با تمام توان پشتیبانی و دفاع نمایند. وسعیت مبارزاتی کردستان امروز به شکلی است که حمایت همه جانبه و فعالان نظامی نیروهای انقلابی را می طلبد. این موقعیت را می توان مختصراً به شکل زیر بیان کرد.

مبارزه مسلحانه توده های خلق کرد در این مقطع تاریخی یکی از مهم ترین مسایل برای امپریالیسم در سطح منطقه است به جرات می توان گفت جنبش انقلابی مسلحانه خلق کرد، باید اثر بس و مهم ترین جنبش انقلابی مسلحانه در خاور میانه است. این مبارزه انقلابی بنا به دل مختلف برای امپریالیسم و ارتجاع حصر ناک بوده و نتیجتاً حساس است.

اولاً به علت وضعیت مهم و استراتژیک ایران در خاور میانه که مبارزه انقلابی خلق کرد نقش فعالی در بنی ثباتی رزمهای ضد خلقی حاکم دارد و به عنوان یکی از مهم ترین مسایل داخلی که رژیم با آن روبرو می گردد مطرح می شود.

ثانیاً مبارزه انقلابی خلق کرد در ایران به عنوان بخشی از یک ملت واحد کرد که در کشورهای مختلف پراکنده شد و استراتژی افروانی بر مبارزات سایر بخشهای این ملت دارد. به صورت مشخص می توان گفت که مبارزه انقلابی مسلحانه خلق کرد در کردستان ایران ضمن پیوند اساسی و تعیین کننده با سایر خلقهای ایران می تواند تا تیری در مبارزه خلق کرد در ترکیه نداشته باشد و

می تواند در پیوند با مبارزات دمکراتیک خلق کرد در عراق قرار نگیرد. و به عنوان پشت جبهه هائی برای همدیگر که از نمک و همدردی و همبستگی بی برخوردارند مطرح نباشد.

طبیعی است که این مسئله نمی تواند پسری امپریالیسم و ارتجاع منطقه حصر ناک نباشد. بنابراین این امپریالیسم و ارتجاع با تمام کوشش و توان کمر به نابودی آن بسته و می بندند. انواع و اقسام توطئه و طرح ۰۰۰۰ برای بریدن آن به اجرا در می آورند و آزمایش می نمایند.

سرکوب و حسیانه و مداوم خلق کرد توسط رژیم خمینی بیش از سال است ادامه دارد. در این مدت این رژیم ضد بشری از هیچ گونه جنایتی در حق این خلق ستم دیده در رخ نکرده است انواع و اقسام شیوه ها را در سرکوب این خلق مقاوم به کار بسته است. از قتل عام روستائیان زحمتکش گرفته تا برباران و چهاره پاران دهات تبعیض خانوادگی پشمرگان در شهرها ادامه داشته جمعی مبارزان و و اکنون به توطئه جدید دیگری برای آنها در آوردن و سرکوب این خلق قهرمان روی آورده. آنهم تحلیله اجباری روستاهای کردستان (اطراف سردست) است.

در این راه رژیم خمینی مورد حمایت همه جانبه امپریالیسم امریکائی قرار دارد. زیرا همانطوریکه گفتیم به طور استراتژیک مبارزات خلق کرد منافذ امپریالیسم جهانی و در رصد آنها امپریالیسم امریکائی نقشها در ایران بل در سطح منطقه به حطر انداخته است. برای نمونه می توان از واکنش

امپریالیسم در مقابل با جنبش کردستان در این مدت نام برد. چندی پیش نمایندگان رژیم ارتجاعی و شونیست ترکیه با فرسنگانی جلا بد به مذاکره پرداخته و در این مذاکرات طرفین برای ناپودی جنبش کرد های هر دو کشور عهد و پیمان تجدید کردند. روشن است که این حرکت نمی تواند بدون اطلاع قبلی امپریالیسم صورت گرفته باشد.

حال با توجه به وضعیت تاریخی کنونی، این سوال مطرح می گردد که نیروهای شونیست و انقلابی در مقابل جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد در ایران دارای چه مسئولیتها و وظایفی هستند؟ پس چه شعار و تاکتیک باید حرکت کنند و از چه شعار هدف و تاکتیک باید حمایت نمایند؟ کسی که در عمل فراموش کند که کمونیستها از هرگونه نهضت انقلابی پشتیبانی می کنند و از اینرو موضع بدون اینکه دقیقهای، عقاید سوسیالیستی خود را پنهان داریم وظایف عمومی دمکراسی را در برابر تمام مردم بیان و حاضر نشان کنیم. کسی که در عمل فراموش کند که وظیفه ما این است که در طرح و تشدید و حل هرگونه مسائل عمومی دمکراتیک در پیشاپیش همه باشد آن کس سوسیالی دمکرات نیست. (لنین چه باید کرد؟)

جمله بالا که از لنین نقل قول شده بچوبی آن وظایف مهم کمونیستها در قبال نهضت های انقلابی و دمکراسی انسان می دهد. مسئله بسیار روشن است کمونیستها باید در صرح و تدبیر و حل هرگونه مسایل عمومی دمکراتیک در پیشاپیش همه باشند. این جمله را پس باید رهنمون عمل قرار داد و در بر خورد به جنبش خلق کرد نیز به مثابه یک جنبش ملی - دمکراتیک آنرا مد نظر گرفت.

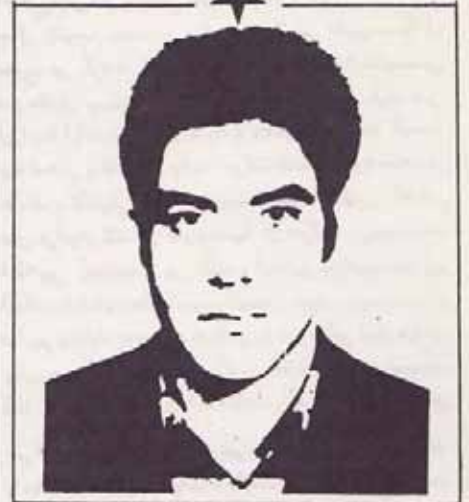
کمونیستها موظفند در دفاع از حق تعیین سرنوشت خلق کرد (بصورت و شکل مشخص آن خودمختاری) در پیشاپیش همه قرار بگیرند. البته این مردم در شرایط کنونی تا حد زیادی بر محدودی کلی است. اکنون باید به این سوال جواب روشن داد که چگونه باید این حمایت و پشتیبانی را عمل کرد و در طرح و تشدید خواسته های دمکراتیک خلق کرد در پیشاپیش همه بود؟

به اعتقاد ما در شرایط کنونی پشتیبانی از نهضت انهمی "کردستان یعنی دفاع از شعار و اهداف آن، یعنی حمایت از نیروی اصلی رهبری این جنبش انقلابی. هرگونه برخوردی سوا ایمن نحوه برخورد و کوشش جدا کردن مائیکسی جنبش کردستان از اهداف، شعار و رهبری آن در شرایط کنونی برخوردیست اپورتونیستی و انحرافی که هیچ ربطی به مارکسیسم ندارد هر چند با ظاهر پر زرق و برق و شعارهای الوان آراسته شده باشد.

بی دلیل نیست اپورتونیستها ی چپ و راست در صدمت کور با برنامه و رهبری جنبشها دلانه و انقلابی کردستان در شرایط امروزی به نقطه مشترکی می رسند. و در واقع محل تلاقی "چپ" و "راست" کوشش برای جدای سازی مائیکسی بقیه در صفحه ۷

پیروزیاد مبارزه قهرمانانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری

بیاد رفیق اسکندر



روز ۱۳ مهر ۱۳۶۰ فدائی شهید رفیق قهرمان سیامک اسدیان (اسکندر) همراه دو رفیق فدائی دیگر به نامهای مسعود بریری و علیرضا صغری پس از عدم موفقیت در یک عمل مصادره بانک طوسی درگیری مهرانانمو حماسی با مزدوران سپاه در جاده آمل شهران به شهادت رسید. فدائی شهید رفیق اسکندریکی از صادق ترین و پسر شورتمین اعضا سازمان در سالهای قبل از پیام و نوزد یکی از پراکارتترین، مومن ترین کادریان سازمان پس از پیام بود. وی یکی از آزمونده ترین و شجاع ترین کادریان نظامی سازمان بود. و بیزارانمما

چهره‌ای موسوم به اکثریت، به‌عنوان مسئول نظامی شامه کردستان روانه منطقه شد و حین زود توانست نقش برجسته‌ای در مبارزه خلق کرد و در رشد سازمان پیدا کند. رفیق اسکندر پس از ۳۰ خرداد ۶۰ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و در اولین جلسات مرکزیت سازمان مسأله در دستور قرارگرفتن عملیات نظامی را طرح و این مسأله مورد تصویب قرار گرفت. رفیق اسکندر طی مدت کوتاهی توانست ۱۴ عملی نظامی را رهبری و هدایت نماید از جمله این عملیات چند پار حمله به کمیته ضد خلقی خیابان آزادی و میدان نواب بود.

گرایش رسلتاریستی در سازمان همواره با بیانه‌های مختلف از اعلام حیران این عملیات جلوگیری نمود و نهایتاً پس از حاکم شدن بر سازمان با نفی عملیات مسلحانه انقلابی عدم اعتقاد خود را به راه رفقای شهید اعلام نمود. ما در سالگرد شهادت این رفقا یاد آنها را گرامی داشته و با اعتقاد به مبارزه مسلحانه انقلابی و تلاش برای سازماندهی توده‌ها در واحد‌های محلی مقاومت و در نهایت سرنگونی رژیم خجینی و استقرار سلطه آزادی، راه آنها را ادامه می‌دهیم.

برخی از رویدادهای تاریخی

در هر ماه روزهای تاریخی مهمی وجود دارد که انعکاس مستقل هر یک از آنها در صفحات محدود نشریه میسر نیست، بنا بر این از این شماره تحت عنوان "برخی از مهمترین رویداد های این ماه" به این روزهای تاریخی به طور فهرست وار اشاره نموده و در هر مورد که لازم باشد پیرامون آن روز مطالبی نیز خواهیم نوشت.

اول مهر ۲۵۹ - آغاز جنگ ایران و عراق
اول مهر (۲ سپتامبر) ۱۹۷۳ - رکدشت پاپولو نروا د شاعر مبارزو پسر چستنه خلق شیلی
۲ مهر (۲۴ سپتامبر) ۱۹۷۳ - روز استقلال کینه میسانو
۵ مهر ۱۳۱۰ - تظاهرات مسلحانه مهلیشیانم با ضد خلق و شهادت تعداد زیادی از آنها

۷ مهر ۱۳۶۰ - اعلام پیرنامه دولت موقت جمهوری د موزا - تیک اسلامی توسط سرزمینم با ضد مسعود ربوی

۹ مهر (اول اکتبر) ۱۹۴۹ - اعلام جمهوری خلق چین
۱۳ مهر (۱۵ اکتبر) ۱۹۷۲ - شهادت رفیق میشل انریکو رهبر سازمان میسر در نیلسی
۷ مهر ۱۳۵۰ - شهادت ۵ تن از نرزمندگان گروه آرماسن خلق رفقا: همایون کتیرائی - هوشنگ ترکسل - ناصر فرعی - بهرام طاهرزاده - ناصر مدنی
۷ مهر (۱۹ اکتبر) ۱۹۶۷ - شهادت انقلابی دیرمارکسیست لنینیست خلق، مرزبان پیشه و عمل، رفیق ارستوپه گوارا
۹ مهر ۱۳۲۴ - رژیم شاه به پیمان امپریا - لیستی سنسو پیوست.

۲۲ مهر ۱۳۳۸ - جنبه عملی ایران توسط دکتر مصدق بنیانگذاری شد.

۲۲ مهر ۱۳۵۸ - تظاهرات صبا دان پندرانزلسی توسط مزدوران رژیم خمینی به خون کشیده شد.
۸ مهر ۱۲۸۷ - نخستین گروه از سوسیالیست دموکراتهای تبریز پایه گذاری شد.

۲۴ مهر ۱۳۱۸ - شاعر مبارزو انقلابی فرحی یزدی توسط مزدوران شاه به شهادت رسید.

۲۴ مهر ۱۳۱۱ - رابطه دولت ایران و انگلیس توسط دکتر محمد صدق قطع شد.

۲۷ مهر ۱۳۳۳ - نخستین گروه (۱۰ نفر) از افسران سازمان نظامی حزب توده توسط مزدوران شاه اعلام شدند.

۲۹ مهر ۱۳۲۲ - زاندرمری ایران "تجدید سازمان" طی یک موافقت نامه (مساعده) در پیوس ادراختیار افسران امیکانی فرارگرفت.

برای تماس با نبرد خلق
با آدرس زیر مکاتبه کنید.

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

برای فتح قله های
پر صلابت عشق ؛
عشق به آزادی ؛
عشق به مردم ؛
عشق به برابری ؛
یامرگ یاسپروزی

★ شهدای فدائی در مهر ماه

صحن گرامی است شهادت شهیدای مهرماه، یاد شهیدان آموزه، این گلشهای تازه شکفته انقلاب را می‌داریم. دانش آموزانی که با پیوند دادن د مبارزه و مقاومتشان در زندانها و چوبه های جلادان خمینی راه زانو در آوردند ۱۰ بین نوجوب با حفظ اسرار خلق در سینه های کوچک، ام عیضا ن شور و ایمانسان را به پیروزی توده ها اثبات می‌رسانند. یادشان گرامی باد.

۱۳۵۰ - رفقا: چنگیز فبادی - مهرنوش ابراه محمد علی سالمی - منوچهر بهانی پور - سیدن

۱۳۵۳ - رفیق حسن جان لنگرودی
۱۳۵۴ - رفیق فرشید فرجی د

۱۳۶۰ - رفقا: حسن حامدی مقدم - علامه جهانشاه سعیدی اصفهانی - محمد رضا فر حسین علیزاده - رحمت شریفی - حسن ج

ناهنی - لفغان فدائین - زیلا سیابان - بهد شهری - زهرا بید شهری - سعید احمد لاری - کریم فبادی - زاهد سجاد دی -

اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری - فد شیدی - ابراهیم شریفی - علی حسن پور - حسین رضی وند نژاد - پرویز بند لیان -

خانزاد - علی محمد نژاد - مریم توسلی - روشن چی - عزت الله معلم - سعید رح حسینی - رفهان قربانی - علیرضا صغری -

یزدانی - شمسوار شفیعی - جعفر لیر - بهلولکی - روح الله الفاس - علامه حسین احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن -

لامران علوی - احمد کیا نی
۱۳۶۱ - رفیق خیرالله حسن وند -

جاودان باد خاطره همه شهید

بخون خفته خلق

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم